

نظام‌های انتخاباتی

و نظام انتخاباتی افغانستان

ناظر حسین زکی

چکیده

موضوع «نظام انتخابات دولت جمهوری اسلامی افغانستان» در میان ده‌ها عناوین مربوط به انتخابات «شورای ملی» از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا پاسخ به این سؤال که نظام انتخاباتی دولت جمهوری اسلامی افغانستان چه نوع نظام و سیستمی است بسیار بجا است که در همایش انتخابات افغانستان مورد بررسی و تحلیل واقع شود، و این مقاله سعی و کوششی است برای تبیین نظام‌های انتخاباتی و «نظام انتخابات دولت جمهوری اسلامی افغانستان»

در مقدمه بحث نگاهی گذرا به دموکراسی و نیز نیم‌نگاهی به گذشته افغانستان شده است. در بخش بعدی به مفاهیم و کلیات پرداخته شده، معانی واژه‌های کلیدی آن تبیین گردیده است. آنگاه سیستم‌های انتخاباتی مورد بحث واقع شده، مزایا و محاسن هر کدام بیان گردیده است. در بخش پایانی، نظام انتخاباتی «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» با استفاده از مواد قانون اساسی و قانون انتخابات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، به این نتیجه رسیده‌ایم که نظام انتخابات در دولت جمهوری اسلامی افغانستان نظام تلفیقی از برخی شیوه‌ها و سیستم‌های رای‌گیری است و دلایل آن، شرایط ویژه و استثنایی کشورما است.

مقدمه

امروزه آرمان‌های دموکراسی نظیر آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماعات، و حکومت پارلمانی جهانیان را شیدا و شیفته نموده و نظیر کالاهای اقتصادی در اثر تبلیغات روزافزون در سطح نخست قرار گرفته است و به عنوان اندیشه معقول و خردپذیر در میان نخبگان جوامع حقوقی و سیاسی و حتی عامه مردم مقبول افتاده و به مثابه یک ابزار قدرت در خدمت سیاستمداران واقع شده است و به مسأله‌آمیزترین ابزار نبرد بر سر تصاحب کرسی قدرت معروف شده است که شرکت کنندگان عرصه پیکار بر سر قدرت در گذشته و حال، برای کسب رضایت مردم و به دست آوردن آرای آن‌ها، به این ابزار متوسل می‌شوند، و از این طریق به عنوان پلی برای رسیدن به قدرت و به دست آوردن کرسی حاکمیت و راهپیدا کردن به

مجالس تصمیم‌گیری و قوه قانون‌گذار یاستفاه می‌کنند.

قوه مقننه که یکی از نهادهای مهم سیاسی هر کشور به حساب می‌آید، ارتباط نزدیکی و غیر قابل تفکیک با دموکراسی دارد، و گویا دموکراسی ایجاب می‌کند، که همه مردم، از هر قشر و طبقه، در مسائلی که مربوط به سرنوشت فردی و جمعی آنان است، مشارکت داشته و اظهار نظر نمایند. از این رو، دموکراسی بدون برگزاری انتخابات و بدون مجلس شورای قانونگذاری منتخب مردم، بی‌مفهوم تلقی شده و قلبی تلقی می‌گردد.

افغانستان ما نیز از جمله کشورهایی به حساب می‌آید، که گویا قدم‌های آغازین خویش را به نخستین پله‌های دموکراسی نهاده و به کاروان جهانی دموکراسی پیوسته است، می‌رود که طعم دموکراسی را به‌کام مردم زجر دیده خویش بچشانند! افغانستانی که سرگذشت سیاسی‌اش اندوهبار بوده و زمامداران آن از هر نوع ابزار و وسیله برای کسب قدرت استفاده نموده‌اند. اگر نگاهی اجمالی به گذشته آن بیفکنیم می‌بینیم که رژیم‌های فرسسالار به شیوه‌های مختلف و گوناگون در آن ظهور کرده است؛ که روزگاری به شیوه پادشاهی مطلقه ظاهر شد و صلاحیت قانون‌گذاری، اجرایی و سایر امور حکومتی، اعم از ریز و کلان، در انحصار قدرت مطلقه شاه قرار داشت. و زمانی هم رژیم‌های فرسسالار به شیوه خودکامه، قدرت را در اختیار گرفت و پایه‌های حاکمیت استبدادی خویش را با کشتارها و کله‌منارها، تحکیم بخشید و زمانی نیز با توسل به کودتا و با ایجاد رعب و وحشت قدرت خویش را تحکیم بخشید. در حکومت‌های گروهی و حزبی نیز همان شیوه رژیم‌های استبدادی و خودکامه فردی تجربه شد و مردم این سرزمین نمونه‌هایی از جنایت و خودکامگی را در حاکمیت احزاب کمونیستی، و نیز در رژیم‌هایی که پس از سرنگونی آخرین بقایای کمونیست‌ها در افغانستان به وجود آمد، نظیر حکومت طالبان و امثال آن، مشاهده و تجربه کرد.

حقیقت این است که زمینه بحران کشور، در دوران حکومت‌های حزب سالار و قوم محور، با ماهیت «آریستوکراسی»، به وجود آمد و شدت یافت، به خصوص در دوران نوع طالبانی آن، که تداوم و شدت آن

و اما در تحولی که بعد از «اجلاس بن» به وجود آمد، مردم دل به دموکراسی دادند، انتظار آن را داشتند که در پرتو دموکراسی، فاتحه رژیم‌های پادشاهی، استبدادی، دیکتاتوری، خودکامه و نیز نوع رژیم الیگارشسی با رویکرد، تبعیض قومی و نژادی از کشور بر چیده شود، عدالت اجتماعی به مفهوم

واقعی آن در کشور تحقق یابد؛ ولی به رغم شعارهایی که هرروز داده می‌شود، این آرزو چندان برآورده نشد، و نشانه‌های تبعیض، در ساختار و نهادهای قدرت هر روز به شکل و شمایل تبارز کرد.

مردم پس از سقوط طالبان، انتظار آن را داشتند که هرچه زودتر شاهد اعمار و بازسازی کشور باشند، ولی متأسفانه در اثر رقابت‌های بی‌حاصل و عدم کارایی مسئولان، این امید به طور شایسته برآورده نشد و به رغم سرازیری حجم بالایی کمک‌های بین‌المللی و حضور چشمگیر نیروهای خارجی با بیش از دو هزار انجمنی خارجی، تا هنوز افغانستان ویرانه و مردم آن با خرابی‌های ناشی از دخالت بی‌حد و مرز خارجی‌ها مواجهند و از بهداشت و رفاه ابتدایی و آب و برق سالم شهری همچنان محروم. ولی با این همه مردم خوشحال و امیدوارند که در نظام مردمسالار و متکی بر انتخابات و آرای مردمی به نابرابری‌های اجتماعی و ستم‌های قومی، مذهبی پایان داده شود، ثبات و پایداری در کشور به وجود آید.

مردم ما پس از تصویب قانون اساسی به استقبال انتخابات ریاست جمهوری شتافتند، و با آغوش باز و وصف‌ناپذیر از آن استقبال کردند.

از حقیقت اگر نگذریم باید اذعان کرد که از فرصت طلایی بعد از سرنگونی رژیم قرون وسطایی و تروریستی طالبانی، که گویا در اثر توجه جامعه جهانی نصیب کشور شد، استفاده بهینه نشد و سیر تحولات به سوی حاکمیت فردسالاری و ریاستی رقم خورد، و سایه هیولایی فقر، بیماری، فساد، و رشوه خواری، ناامنی همچون گذشته تا هنوز بر این کشور سایه افکنده به گونه‌ای که ناامنی در ساحه ولایات قندهار، هلمند، ارزگان و دایکندي همچنان جان انسان‌ها را می‌گیرد و تیغ فاشیسم طالبانی جسدهای بی‌جان را تا هنوز مثله می‌کند. از دیگر واقعیت‌هایی که کمتر به آن توجه شده کتمان نفوس و طفره رفتن از احصائیه نفوس است، زیرا اهمال و ابهام نفوس زمینه خوبی برای علم کردن کوچیهای افغان فاقد تذکره افغانی است.

تقلب در احصائیه نفوس افغانستان در رژیم‌های تمامیت خواه و امتیاز طلب گذشته يك حقیقت تاریخی است، و آمارهای غیر واقعی از نفوس افغانستان تا هنوز به مثابه يك ابزار در دست امتیاز خواهان است، و بر بحران این کشور دامن می‌زند. اکنون نیز همان آمار و ارقام معیار تصمیم‌گیریه‌ها در مسائل مربوط به نفوس است، و طبق همین معیار، به کوچی‌ها تا کنون به عنوان يك گروه امتیاز طلب نگاه می‌شود و به جایی که آن‌ها در ترکیب سهم اقوام مسکن‌گزین‌شان در نظر گرفته شوند سهم جدایی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.

مردم امیدوارند که انتخابات شوراها و نیز انتخابات دو مجلس اعیان و نمایندگان با استقبال پرشور رو به رو شوند و براساس سیستم سالم و در چارچوب نظم و قانون، بتواند به دور از هرگونه تقلب برگزار گردد. اما انتخابات سالم در گرو سیستم سالم و اجرای سالم آن است، اما سیستم و نظام انتخاباتی چیست؟ و نظام انتخاباتی افغانستان چگونه می‌باشد؟ این مقاله سعی دارد پاسخی به این گونه سوال‌ها ارائه نماید.

مفاهیم

پیش از هر سخنی لازم است مفاهیم واژگان اصلی و کلیدی این مقاله توضیح داده شود، و معنای مورد نظر بیان گردد؛ زیرا همانسان که ساختار اجتماعی در اثر توسعه و رشد علوم و فنون دچار تغییر و تحول گردیده مفاهیم و نشانه‌های گفتاری و نوشتاری نیز دچار دگرگونی شده است. و لذا مفاهیم واژگان مورد بحث به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱ - نظام

نظام در لغت به معنای روش و عادت بر طریق واحد ذکر شده و در اینجا منظور از نظام، سیستم و مجموعه قواعد و مقررات منظم و به هم پیوسته‌ای است، که برای دستیابی به هدف مشخصی به کار گرفته می‌شود.

۲ - انتخابات

واژه انتخابات از «انتخاب» گرفته شده و به معنای برگزیدن، انتخاب کردن، بیرون کشیدن و برگزیدن چیزی از میان چیزهای دیگر، و یا برگزیدن کسی از میان جمعی برای کاری به کار می‌رود.^[۱] بنا بر این در انتخابات معنا و مفهوم گزینش چیزی و یا کسی نهفته است، وقتی این واژه به صورت جمع به کار برده می‌شود به معنای انتخاب کسی برای انجام کاری است که در این مفهوم بیشتر برای انتخاب نماینده برای مجالس قانون‌گذاری یا شوراهای شهر و ده یا ریاست جمهوری آورده می‌شود.^[۲]

انتخابات در اصطلاح دانشمندان علوم سیاسی و علم حقوق به معنای «مجموعه عملیاتی که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت»^[۳] به کار رفته است.

بنابر این مراد از انتخابات فن گزینش و شیوه و راهکار تعیین نماینده و نمایندگان است که به جای شهروندان در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی تصمیم می‌گیرند و به وضع قوانین

می‌پردازند که هرچندگاهی در فاصله‌های معینی مثلاً دو سال، سه سال، یا چهار سال و... یک بار انتخابات به عمل می‌آید.

۳ - نظام انتخاباتی

نظام انتخاباتی قواعد و سیستمی است که شرایط، حقوق و وظایف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و چگونگی تشکیل سازمان‌های رای‌گیری، و نحوه اخذ، شمارش و اعلام آراء و رسیدگی به تخلفات انتخاباتی را مشخص می‌کند،^{[۴]v} قواعدی که بتواند آرای مردم را تبدیل به کرسی نماید.^{[۶]v}

بنابراین مراد از نظام انتخاباتی، سیستم و روشی است قانونمند که شرایط و وظایف انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان و کیفیت اخذ رای و نحوه تشکیل گروه‌های رای‌گیری را تبیین می‌کند و معمولاً این سیستم تشکیل یافته از اجزای سه‌گانه ذیل می‌باشند:

۱ - حوزه انتخابی که عبارت است از واحد جغرافیایی که در آن آراء تبدیل به کرسی می‌شود.

۲ - «فرمول انتخاباتی یا رویه‌ی ریاضیاتی تبدیل آراء به کرسی».

۳ - حد نصاب؛ که می‌بایست تعداد و شماره آراء به میزان مشخصی برسند تا کاندیداها به پیروزی برسند و کرسی قدرت را چه در مجلس و چه در رقابت بر سر کرسی ریاست جمهوری به دست بیاورند

۴ - «شکل بیان یا ساختار رای؛ اشاره دارد به توانایی احزاب و گروه‌های سیاسی حامی کاندیداها برای تعیین این‌که چه کسانی پست‌های مورد نظر را به دست می‌آورند».^{[۶]v}

همه کشورها از سیستم واحد برای گزینش افراد در اداره جامعه پیروی نمی‌کند، بلکه سیستم‌های متفاوت و گوناگونی برای گزینش و انتخابات افراد به وجود آمده است و در این میان بهترین نظام انتخاباتی، نظامی خواهد بود که بتواند بیش‌ترین و بهترین رابطه صادقانه را میان انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برقرار نماید.

۴ - دولت جمهوری اسلامی

دولت^{[۷]vii} جامعه سیاسی سازمان یافته‌ای است که از سایر جوامع متمایز است و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خویش دارد^{[۸]viii} و به سازمان سیاسی اطلاق می‌شود که متشکل باشد از

حکومت، مردم و سرزمینی با مرزهای معین. و همچنین به ساخت قدرتی که در سرزمین معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی، نگاهیان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی، پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش می‌باشد به کار رفته است. و در اینجا مراد از دولت هیأت دولت و یا قوه مجریه نیست، بلکه مقصود واژ معادل state است که نهادهای گوناگونی و از جمله حکومت را برای تحقق اهداف خود تشکیل می‌دهد.^[۹]

جمهور به معنای عموم مردم است، و جمهوری بودن به معنای آن است، که عامه مردم در ایجاد حکومت، اداره جامعه و حکومت نقش داشته باشد، و از طریق انتخابات مسؤلان کشور و شرکت در شوراها و همه پرسشی‌ها نقش خویش را در حاکمیت ایفا می‌کند.^[۱۰] و اسلامی بودن در واژه ترکیبی «جمهوری اسلامی افغانستان» نشان‌دهنده این است که قوانین قابل اجرا در قلمرو حاکمیت دولت افغانستان، اسلامی و یا به تعبیر قانون اساسی مخالفت با اسلام ندارد.^[۱۱]

۵ - رقابت سیاسی

انتخابات عرصه رقابت برای نیل به قدرت است و در عین حال از مصادیق بارز رقابت سیاسی به شمار می‌رود، رقابت سیاسی کوشش برای کسب قدرت سیاسی است و به دیگر تعبیر به معنای سعی و تلاش جدی رقابت کنندگان برای عقب انداختن رقیب از رسیدن به هدف مورد نظر است.^[۱۲] و از این رو رقابت سیاسی در^[۱۳] عرصه انتخابات تبدیل به یک پیکار تمام عیار میان رقابت کنندگان می‌شود، و چه بسا رقابت سالم باعث پیدایش حسادت و کینه و تنفر شود، و با گرم شدن میدان رقابت، آتش بغض و دشمنی را شعله‌ور نماید، و رقابت کنندگان برای در هم شکستن رقیب، اهداف و آرمان‌ها ی انسانی را فراموش کنند، و از هر نوع حربه‌ای علیه همدیگر استفاده نمایند، و بدین‌سان پیکار مسالمت‌آمیز قدرت، تبدیل به منازعه مزمن و غیر علاج‌پذیر رقابت کنندگان شوند، و مصالح ملی به فراموشی سپرده شود، و کشورهایی که جوهره دموکراسی یعنی رقابت و مشارکت سیاسی را به تازگی تجربه می‌کنند، عطش قدرت و رقابت مانعی هرگونه مصالحه و آشتی میان رقابت کنندگان است، چنان‌که آمار بهت‌آور کاندیداهای «شورای ملی کشور» در هر ولایت و ولسوالی دلیلی بر این گفته است به گونه‌ای که هیچ یک حاضر نیستند، به خاطر مصالحی که از نفس کشیدن برای آن‌ها واجب‌تر است، به نفع دیگری کنار بروند!!

۶- انواع نظام‌های انتخاباتی

انتخابات و گزینش فرد یا افرادی از میان کاندیداها بر اساس کسب آرای اکثریت رای دهندگان مراحل ویژه‌ای دارد که زمانی زیادی را در برمی‌گیرد، مراحل نظیر ثبت نام کاندیداها و تعیین صلاحیت و شرایط برای نامزدها، زمان تبلیغات داوطلبان و سرانجام مرحله حضور رای دهندگان در پای صندوق‌های اخذ رای، و مرحله شمارش و اعلام آراء، رسیدگی به اعتراضات و تخلفات انتخاباتی، و سرانجام اعلام کاندیداهایی که در عرصه رقابت به پیروزی رسیده‌اند. تمامی این فرایند براساس قوانین و مقررات ویژه‌ای طی می‌شود که موسوم به قوانین انتخابات است که بیانگر نظام انتخاباتی است و هر کشور نظام انتخاباتی به خصوص خود را دارد، که ممکن است هر کدام در یکی از سه نوع نظام اکثریتی، تناسبی، و تلفیقی قابل مطالعه و بررسی باشد.

نظام‌های انتخاباتی

از آغاز شکل‌گیری حکومت‌های مردم سالار سیستم‌های متفاوتی برای اخذ رای تا کنون اعمال شده است، و نظام‌های مختلفی برای دستیابی به آرای مردم به وجود آمده است هر کدام از این نظام‌ها سعی دارد سلامت انتخابات را در تمام فرایندهای که طی می‌کند فراهم نماید و بدون تردید در این میان بهترین سیستم انتخاباتی، روشی خواهد بود که عدالت انتخاباتی را به معنای واقعی کلمه فراهم سازد، آراء و عقاید انتخاب کنندگان را به شیوه سالم و عادلانه نشان دهد.

با نگاه کلی در فرایند انتخابات، به سه نوع نظام انتخاباتی رو به رو هستیم:

۱ - نظام اکثریت، که به دو نوع نظام اکثریت ساده و مطلق تقسیم می‌شود.

۲ - نظام انتخابات تناسبی که روشهای متفاوتی را برای استخراج کرسی‌ها به کار می‌گیرد.

۳ - نظام انتخاباتی تلفیقی از دو نظام اکثریتی و تناسبی

الف) نظام اکثریت

در نظام اکثریت کرسی‌های نمایندگی هر حوزه انتخابی به داوطلبان آن حوزه ارائه می‌شود. داوطلبانی که بیشترین رای را در انتخابات به دست بیاورند، کرسی نمایندگی را در اختیار گرفته و پیروز حساب می‌شوند، و سایر داوطلبان شکست خورده از میدان رقابت خارج می‌شوند.^{[۱۴]xiv}

در نظام اکثریت فرض بر این است که پیروزی و قدرت به دست فرد و یا گروهی قرار گیرد که از محبوبیت و مقبولیت بیشتری برخوردار باشد، در این سیستم آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است این است که با حمایت اکثریت، نظام باثبات و مستحکم روی کار آید تا کارایی بیشتری داشته باشد.

در نظام اکثریتی از این که انتخابات در حوزه نسبتاً کوچکی اجرا می‌شود و رای دهنده با شناخت کاملی که از نامزدها دارد، می‌تواند به شخص دلخواه خود به طور مستقیم با اطمینان رای بدهد، و رای او قابل انتقال به اشخاص دیگری نمی‌باشد.

سیستم اکثریت در انگلستان در مورد انتخابات مجلس عوام و در امریکا در باره انتخاب سناتورها، به‌کار می‌رود.

طبق این سیستم باید کرسی‌های پارلمان پیشاپیش بین شهرها و ولسوالی‌ها به تناسب جمعیت و وسعت آن‌ها تقسیم شود و کشور حوزه بندی گردد. و از این رو است که احصائیه دقیق نفوس در سطح کشور و ولایات باید مشخص باشد، تا حوزه‌های رای‌گیری عادلانه توزیع شود. همان چیزی که قومیت‌های افغانستان نظیر هزارها؛ بارها بر آن تأکید و اصرار داشته‌اند.

این نظام می‌تواند به نظام اکثریت نسبی و یا اکثریت مطلق منتهی باشد، از این رو آن را به دو نظام اکثریت ساده و اکثریت مطلق تقسیم کرده‌اند.

۱ - نظام اکثریت ساده (یک مرحله‌ای) ^{xv}[۱۰]

نظام اکثریت ساده از قدیمی‌ترین شیوه انتخاباتی در اروپا است و خاستگاه اصلی آن انگلستان است. در این نظام همانطور که از اسم آن پیدا است، انتخابت به سادگی برگزار می‌گردد و نتیجه انتخابات در مرحله اول روشن می‌شود، در این نظام احراز اکثریت نسبی آراء برای انتخابات کافی است و هر داوطلبی که يك رای نسبت به سایر داوطلبان بیشتر به دست بیاورد پیروز اعلام می‌گردد، زیرا معیار پیروزی در این شیوه کسب بیش‌ترین آراء نسبت به سایر نامزدها است.

۲ - نظام اکثریت مطلق (دومرحله‌ای) ^{xvi}[۱۱]

در این نظام، برنده نامزد و نامزدانی هستند که در مرحله اول باید اکثریت مطلق آراء را، یعنی يك رای بیش از پنجاه در صد مجموع آرای انتخاب کنندگان را به دست بیاورند که به آن نصف به اضافه يك (۵۰+۱%) گفته می‌شود. و اگر چنین اکثریتی در مرحله اول به دست نیاید، انتخابات در مرحله دوم میان

داوطلبانی که بیشترین آراء را کسب کرده باشد، برگزار می‌گردد، برنده و یا برندگان اکثریت نسبی به پیروزی می‌رسند.^{[۱۷]xviii}

این نظام در واقع نظام تکامل یافته نظام اکثریت ساده و نسبی است، زیرا حکومت و مجلس منتخب بر اساس نظام اکثریت نسبی از حمایت و مقبولیت کمتر مردم برخوردار است، به طور مثال اگر در مبارزه انتخاباتی یک داوطلب ۲۶٪ آراء، را ببرد، و داوطلب دیگر ۲۵٪ و داوطلب دیگر ۲۴٪ و ۲۵٪ آراء را سایر نامزدها از آن خود کرده باشد، در نتیجه بر اساس نظام اکثریت ساده برنده اصلی کسی است که ۲۶٪ آراء را از آن خود کرده است. نتیجه آن شکل‌گیری حکومت و پارلمانی است که ۷۴٪ به آن رضایت و رای نداده است، در نتیجه مقبولیت و مشروعیت آن بر مبنای فلسفه دموکراسی زیر سؤال می‌رود، از ثبات و پایداری اندکی برخوردار خواهد بود. ولذا کشورهایی که نظام انتخابات شان را بر اساس نظام اکثریت مطلق عیار نموده‌اند، تا حدودی خواسته‌اند از این تنگنا رهایی یابند، ولی همان ایراد و عیبی که بر نظام اکثریت ساده با ۷۴٪ مخالفت مردم وارد بود، این بار با میزان کمتری قریب با ۴۹٪ مخالفت عامه روبرو است، که همین مقدار می‌تواند تا حدودی از کاستی‌ها و ایرادات بکاهد، و حکومت را به زعم شیفتگان دموکراسی، مشروع و با ثبات جلوه بدهند. از این رو در توجیه نظام اکثریت گفته شده که مهمترین اصطلاحات در جهت زدودن دغدغه غیر عادلانه بودن نظام مبتنی بر اکثریت نسبی، طراحی نظام اکثریت مطلق است، زیرا در نظام اکثریت مطلق مهمترین ایراد و عیبی که بر نظام اکثریت ساده و نسبی وارد بود از بین برده شد و نماینده منتخب با ۵۰+۱٪ آراء از مشروعیت کافی برخوردار است.^{[۱۸]xviii} ولی حقیقت این است که تغییر اکثریت نسبی به اکثریت مطلق نمی‌تواند دردی را دوا بکند، زیرا داوطلبی که پنجاه و یک درصد آراء و با مخالفت چهل و نه درصد آراء به کرسی قدرت و نمایندگی را تصاحب می‌کند، سرنوشت سیاسی کشور را تغییر نمی‌دهد، و نماینده نصف به اضافه یک خواهد بود، و به همان تناسب از مقبولیت برخوردار است.

و افزون بر آن، از سایر معایب این نظام نیز نمی‌توان چشم پوشید و آن این‌که در نظام اکثریت مطلق رقابت سالم سیاسی از طرف احزاب و دستجات با حذف آن‌ها کاهش پیدا می‌کند، و خطر سازمان یافتن آن‌ها به سوی خشونت و قانون شکنی، جدی به نظر می‌آید. و به مسائل اساسی و ملی کمتر توجه می‌شود، و خطر منطقه‌گرایی و قوم پرستی افزایش می‌یابد.

در نظام اکثریت معمولاً با سه نوع انتخابات روبه هستیم:

۱ - **انتخابات فردی:** در حوزه‌های کوچکی که فقط يك کرسی به آن اختصاص داده شده انتخابات فردی برگزار می‌گردد، ویژگی‌ها و خصوصیت نامزدان مورد توجه رای دهندگان قرار می‌گیرد و از میان رقابت کنندگان سرانجام نامزدي به پیروزي می‌رسد که رای اکثریت را به دست آورده باشد.

۲ - **انتخابات جمعی:** در حوزه‌های بزرگ انتخاباتی که چند کرسی نمایندگی به آن اختصاص داده شده داوطلبان به طور انفرادی رقابت می‌کنند، در این حالت رای دهندگان اسامی نامزدهای مورد نظر خویش را روی ورقه رای نوشته و آن را به صندوق می‌اندازند. در این حالت بدون این‌که ائتلافی صورت گرفته باشد، خصوصیات و ویژگی‌ها ی نامزدان مورد توجه رای دهندگان قرار می‌گیرند و نامزدهایی که بیشتری آراء را کسب کنند برگزیده می‌شوند.

۳ - **انتخابات فهرستی:** در نظام انتخابات فهرستی، داوطلبان به جای رقابت انفرادی به شیوه گروهی به رقابت می‌پردازند، و با درج نام‌های خویش در دو یا چند فهرست، خود را برای رای دهندگان معرفی می‌کنند.

انتخابات فهرستی زمانی صورت می‌گیرد که در کشور احزاب فعال سیاسی وجود داشته باشند. احزاب به تعداد کرسی‌ها ی نمایندگی داوطلبان مورد نظرش را در فهرستی یا به صورت بسته و یا به صورت باز به رای دهندگان معرفی می‌کنند. اگر لیست‌ها به صورت بسته ارائه بشود، رای دهندگان به جای این‌که به افراد رای بدهند به حزب مورد نظرش رای می‌دهند. اگر لیست‌ها به صورت باز ارائه گردد، رای دهندگان می‌توانند اسامی کاندیدهای مورد نظر را از لیست بیرون آورده و در ورقه رای درج نموده و آن را به صندوق بیاندازند.

در صورتی که فهرست‌ها به صورت بسته ارائه گردد، احزاب مورد توجه رای دهندگان قرار می‌گیرند، و اگر به صورت باز ارائه گردد، شخصیت و خصوصیت افراد تا حدودی مورد توجه رای دهندگان واقع می‌شوند.

معایب انتخابات فهرستی

از معایب اساسی نظام فهرستی این است که آزادی انتخابات از رای دهندگان سلب می‌شود و احزاب اراده خود را بر رای مردم شیوه تحمیل می‌کند، در نتیجه حاکمیت احزاب جای حاکمیت مردم را می‌گیرد. و از سوی دیگر. چون ساز و برگ تبلیغاتی و امکانات مادی احزاب بیشتر از داوطلبان مستقل است، نامزدهای

مستقل و همچنین احزاب ضعیف شانس ورود به صحنه قدرت را از دست می‌دهند. و در نتیجه احزاب ضعیف و یا شخصیت‌های مستقل برای این‌که کرسی نمایندگی را تصاحب کنند، ناچارند به احزاب قوی ملحق شوند، و استقلال خود را در این معامله از دست بدهند.

ولی برخی، امتیازاتی را برای این نظام ذکر کرده، از جمله این‌که در نظام فهرستی و نوعاً حزبی، رقابت احزاب قوی باعث اقتدار گروه‌های سیاسی قدرتمندی می‌شود که در رأس دولت قرار می‌گیرد، و در نتیجه با محدودیت تعدد احزاب، پارلمان قدرتمند با اکثریت آرای قوی شکل می‌گیرد، و برنامه‌های دولت در مجلس قانونگذاری به دور از جنجال‌های بی‌حاصل دنبال می‌شود و منافع ملی به شیوه مناسب تأمین می‌گردد.^{[۱۹]xix}

ولی به نظر می‌رسد که چنین نظامی با شکل‌گیری و نفوذ احزاب قوی با ماهیت نژادی و یا مذهبی خاص، باعث شکل‌گیری استبداد نوین و سلب حقوق اقلیت‌ها می‌گردد، و امنیت و عدالت اجتماعی در اثر زیاده خواهی احزاب قدرتمند، آسیب‌پذیر می‌شود، و در نتیجه آزادی بیان، آزادی عقیده، تحقق عدالت اجتماعی، مواجه با خطر می‌شود.

ب) نظام انتخابات تناسبی

نظام انتخابات تناسبی در اثر رشد احزاب سیاسی در اروپا شکل گرفت. هدف در نظام تناسبی آن است که احزاب و دسته‌جات سیاسی به تناسب آراییی که در انتخابات کسب می‌کند صاحب کرسی یا نماینده در پارلمان شود.

نظام انتخابات تناسبی به این شیوه است که آراء بین کرسی‌های نمایندگی تقسیم می‌گردد و حاصل نسبت آن کمیّت فرضی برای یک کرسی انتخاباتی خواهد بود.

آرانی که به وسیله احزاب سیاسی به دست می‌آید، به حاصل نسبت مذکور تقسیم شده و حاصل آن تقسیم تعداد نمایندگانی است که به هر حزب تعلق می‌گیرد.^{[۲۰]xx}

اصلی این سیستم را «استوارت میل» ارائه داده که در یک دموکراسی که برپایه اصل تساوی قرار دارد، هر گرایش سیاسی باید بتواند به نسبت آرای خود در سراسر کشور در پارلمان نماینده داشته باشد، یک گروه که اکثریت آرا را در جامعه دارد، یک اکثریت پارلمان را در مجلس مقننه تشکیل میدهد و یک گروه که آرای کمتری دارد صاحب یک اقلیت پارلمانی باشد. به طور کلی هر گرایش سیاسی باید در

پارلمان به گونه ای انعکاس داشته باشد و اگر وضع به این صورت نباشد حکومت نه بر پایه برابری، بلکه بر پایه نابرابری، تبعیض و امتیاز بین افراد خواهد بود.

از خصوصیات نظام تناسبی آن است، که داوطلبان مستقل نمی‌توانند وارد عرصه رقابت انتخاباتی بشود، بلکه صحنه رقابت انتخابات را عمدتاً احزاب و دسته‌جات سیاسی در اختیار دارند و به تناسب آرای به دست آورده می‌توانند وارد پارلمان بشوند. نظام انتخاباتی تناسبی با اعمال روشهای متفاوت برای استخراج کرسی‌ها از آرای رای دهندگان، انواع گوناگونی دارد که به سه مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- تناسبی کامل

در این روش، احزاب و دسته‌جات سیاسی به تناسب آرای به دست آورده، دارای کرسی نمایندگی خواهند شد. به عنوان مثال، اگر در یک حوزه پنج کرسی مورد رقابت باشد و هزار نفر در انتخابات شرکت کرده باشند، خارج قسمت انتخاباتی از تقسیم هزار بر پنج به دست می‌آید که در این مثال، عدد دوصد خواهد بود. احزاب به تعداد ضریب عدد دوصد، دارای کرسی خواهند بود و حزبی با کسب ششصد رای صاحب سه کرسی در پارلمان خواهد شد. اما از آنجا که آراء کسب شده احزاب همیشه قابل تقسیم بر این عدد نیست، همیشه مقداری از آراء به عنوان آرای مازاد وجود دارد. به عنوان مثال: اگر حزبی ۶۵۰ رای کسب کند، پنجاه رای مازاد خواهد داشت و سؤال این است که این مازاد چگونه محاسبه می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش، یکی از راه‌های این معضل، اعمال روش تناسبی سراسری یا کامل است. در این روش، خارج قسمت انتخاباتی در سطح ملی محاسبه می‌شود نه در سطح هر محل یا حوزه. یعنی تعداد کل کرسی‌های لازم برای مجلس را بر میزان کل آراء تقسیم می‌کنند. در نتیجه آرای مازاد احزاب در حوزه‌های مختلف جمع شده، به اندازه ضریب آراء نسبت به عدد مورد نظر، به هر حزب کرسی دیگری تعلق خواهد گرفت. این روش آسان‌ترین و عملی‌ترین روش برای انتخابات تناسبی محسوب می‌شود.

۲- تناسبی تقریبی

در این شیوه، آرای مازاد احزاب و گروه‌ها در همان حوزه انتخابیه لحاظ شده و به صورت تقریبی محاسبه می‌گردد. نخستین نکته لازم در این نوع نظام که باید مورد توجه قرار گیرد این است که حزب یا گروه برای این‌که بتواند در تقسیم‌بندی کرسی‌ها سهمی داشته باشد، ضروری است درصد مشخص از آراء را کسب کرده باشد. این درصد در دانمارک دوازده، در فرانسه پنج، در یونان سه و در سریلانکا

دوازده است. این نصاب به عنوان پیش شرط شرکت در تقسیم‌بندی کرسی‌ها لحاظ می‌شود. احزابی که کمتر از آن رای کسب کنند، بازنده کامل محسوب می‌گردند. در این شیوه اصل تناسب به نحو کامل مراعات نمی‌شود.

۳ - خارج قسمت انتخاباتی

این روش متداول‌ترین شیوه تقسیم کرسی‌ها بین احزاب است. در این شیوه، با تقسیم تعداد آراء بر تعداد کرسی‌ها، عددی به دست می‌آید که آن را «خارج قسمت انتخاباتی» می‌گویند. این عدد ملاک تقسیم کرسی‌ها است و هر لیست به میزان ضریب‌های مختلف این عدد، کرسی احراز خواهد کرد. به عنوان مثال، اگر پانصد هزار نفر برای انتخاب پنج نفر به پای صندوق‌های رای بروند، خارج قسمت انتخاباتی صد هزار خواهد بود و هر لیستی به ازای هر صد هزار رای، یک کرسی را از آن خود خواهد کرد. [xxi]^(۲۱)

مخالفان و موافقان نظام انتخابات تناسبی

نظام انتخابات تناسبی به دلیل مزایا و محاسنی که دارد، موافقان و مخالفانی به خود گرفته است. طرفداران و موافقان نظام انتخابات تناسبی می‌گویند که در این نظام تمام آراء مأخوذه توسط اقلیت و اکثریت روی هم حساب می‌شود و هر یک از احزاب به تناسب آرائی که کسب کرده‌اند به مجلس نماینده می‌فرستند و در نتیجه صاحبان همه آراء در اداره کشور سهیم می‌شوند، و در نتیجه قوانین مصوب در مجلس مورد قبول تمام رای دهندگان خواهد بود زیرا آنان نیز در مجلس نماینده دارند و به این ترتیب نظام تناسبی مانع شکل‌گیری انحصار و استبداد یک جناح قومی و سیاسی در کشور می‌شود و احزاب و دسته‌جات به میزان توان خویش در مجلس راه می‌یابند، و نیاز به ائتلاف‌های گذری و سطحی ندارند. و مصالح عمومی و کلان جامعه در نگاه آن‌ها تقویت می‌شوند، و تعلقات سمتی و گرایش‌های مخالف مصالح عامه کاهش پیدا می‌کند.

مخالفان این نظام معتقدند که رقابت احزاب متعدد، موجب عدم حصول رای اکثریت قوی در مجلس قانون‌گذاری می‌گردد و با تشدید حزب‌گرایی ثبات امنیت در معرض خطر قرار می‌گیرد، و اگر چنانچه رقابت احزاب متعدد موجب عدم حصول رای اکثریت قوی در پارلمان گردد، دولت همواره در تزلزل بوده و نمی‌تواند دست به اصلاحات اساسی در کشور بزند. [xxii]^(۲۲)

ج) نظام انتخاباتی تلفیقی

نظام انتخاباتی تلفیقی، تلفیق میان دو نظام اکثریتی و تناسبی با اخذ مزایا و محاسن این دو نظام است. طالبان این شیوه، هم خواستار رعایت تناسب میان آراء و کرسی‌ها هستند و هم طالب دولت پایدار و با ثبات می‌باشند.

خاستگاه این نظام کشور آلمان است و بسیاری از محققان معتقدند که رهایی آلمان از بی‌ثباتی ثمره روی آوردن به این نظام است.

این نظام انتخاباتی به هدف تأمین عدالت و ثبات پایدار در سال ۱۹۴۹ در آلمان شکل قانونی به خود پیدا کرد.^{[۲۳]xxiii}

نقش نظام انتخاباتی در نتیجه انتخابات

نظام انتخاباتی، اشکال مختلف فرایند انتخابات و چگونه رای دادن، نقش مؤثر و متفاوتی در نتیجه انتخابات دارد. پیروزی یا شکست احزاب و جمعیت‌ها ی سیاسی به شکل متفاوتی در هر نظام انتخاباتی رقم می‌خورد، از باب مثال: «بر حسب این که ترتیب رای دادن يك درجه‌ای یا دو درجه‌ای، با اکثریت نسبی یا با اکثریت مطلق، ورقه رای با چند نام یا يك نام و نام‌های با امکان تغییر و جا به جایی یا افزودن یا کم کردن نام‌های نامزدان انتخاباتی باشد، نتیجه انتخابات یکی نیست. و همچنین اگر این امکان در قانون انتخاباتی پیش بینی شده باشد، که حزب‌ها یا جمعیت سیاسی بتوانند به نسبت کل آرای که در سراسر کشور به دست می‌آورند دارای کرسی نمایندگی در مجلس مقننه باشند، یا موردی که کرسی نمایندگی فقط با آراء بیشتر داوطلبان نمایندگی هر حوزه نمایندگی مشخص می‌شود، به کلی متفاوت خواهد بود» و همچنین فرایند انتخابات بر اساس نظام تلفیقی که شیوه انتخابات برخی از کشورها است، اثر ویژه‌ای در ساختار و شکل قدرت دارد مثلاً اگر کشوری در انتخابات ریاست جمهوری شیوه نظام اکثریت مطلق برگزیند، و در انتخاب قوه مقننه از شیوه نظام اکثریت ساده و يك مرحله پیروی نماید، زمینه ثبات سیاسی بیشتری را در اداره نظام و حاکمیت سیاسی کشور تا حدودی به وجود می‌آورد و باعث مشارکت بیشتری احزاب و جمعیت‌ها و دستمجات در نهاد قوه قانونگذاری می‌گردد و نتیجه آن متفاوت است با نتیجه شکل‌گیری ساختار قدرت در نظام‌های انتخاباتی که یا از شیوه اکثریت مطلق در تمام مراحل انتخاباتی پیروی می‌کند و یا از اکثریت ساده و يك مرحله‌ای در همه فرایند انتخابات بهره می‌برد.

سیستم سنتی و الکترونیکی انتخابات

قبل از رشد تکنولوژی و الکترونیکی سیستم انتخابات به شیوه سنتی انجام می‌گرفت، و تمام فرایند انتخابات بدون استفاده از تکنولوژی الکترونیکی انجام می‌گرفت، ولی اکنون در اثر توسعه تکنولوژی انتخابات الکترونیکی نظر دولت الکترونیکی و تجارت الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو می‌توان ابزار و شیوه اخذ و محاسبه رای را به دوشیوه انتخابات الکترونیکی و انتخابات سنتی تقسیم کرد.

۱ - سیستم انتخابات سنتی

در سیستم انتخابات سنتی، مراحل انتخابات بدون استفاده از کامپیوتر، اینترنت و موبایل انجام می‌گرفت، و اخذ آراء، انتقال، شمارش و اعلام آن به شیوه معمول و سنتی طی می‌گردید. از ویژگی‌های مهم این سیستم این است که فرایند انتخابات به زحمت و کندی طی می‌شود، میزان مشارکت مردم در آن کم است، هزینه انتخابات بالا است، و تقلب در تمام فرایند آن از زمان اخذ رای، تا مراحل انتقال، شمارش و اعلام آراء به راحتی قابل اعمال است.

۲ - سیستم انتخابات الکترونیکی

انتخابات الکترونیکی به معنای جایگزین کردن سیستم سنتی رایگیری با سیستم‌های مکانیزه رایگیری است. و این روش روز به روز در حال گسترش است و کشورهای نظیر ژاپن، آمریکا، سوئد، سوئیس، انگلستان، نیوزیلند، استونی و کره جنوبی از این شیوه استفاده کرده‌اند. آمریکا در انتخابات نوامبر ۲۰۰۴، از ایستگاه‌های رایگیری در کنار سایر متدهای رایگیری الکترونیکی استفاده نمود. به این ترتیب که دولت برای راحتی مردم اقدام به نصب کیوسک‌هایی در مراکز عمومی و دفاتر پستی کرد و مردم با مراجعه به یکی از این مراکز در انتخابات شرکت کردند.

کشور تازه استقلال یافته استونی انتخابات موفق سال ۲۰۰۲ خود را از طریق شبکه اینترنت برگزار کرد. کشور کره جنوبی انتخابات خود را در وزارت تعلیم و تربیه به صورت الکترونیکی انجام داد. این کشور در نظر دارد انتخابات عمومی سال ۲۰۰۸ را به کمک نوعی از صفحه حساس (Touch-activated Screen) به صورت الکترونیکی انجام دهد. در ایران برای اولین بحث انتخابات الکترونیکی در سال ۱۳۷۸ مطرح شد که تاکنون عملی نگردیده است. در سیستم‌های مکانیزه عمل اخذ رای می‌تواند به یکی از صورت‌های زیر انجام گیرد:

الف) رای‌گیری ایستگاهی

در این روش به جای استفاده از برگه‌های رای (تعرفه‌ها) و صندوق اخذ رای، از کامپیوتر استفاده می‌شود به این ترتیب که در محل اخذ رای کامپیوترهایی برای رای‌گیری قرار می‌گیرد و شخص رای دهنده توسط کامپیوترهای حساس دستی یا صفحه کلید و یا قلم‌های الکترونیکی نامزد موردنظر را انتخاب می‌کند و رای‌خود را به صندوق مجازی می‌ریزد. در این روش امکان معرفی نامزدها در کنار عکس و زندگی‌نامه و عملکرد مستند آنها نیز وجود دارد. در حال حاضر مدل‌های جدید از این دستگاه‌ها مانند دستگاه‌های خودپرداز (ATM) تولید شده‌است. در این روش مردم مجبور به حضور در مکان‌ها یا رای‌گیری هستند و فقط بجای استفاده از کاغذ و صندوق از کامپیوتر استفاده می‌کنند. ایستگاه‌های رای‌گیری می‌تواند به شبکه‌های امن اکسترانت وصل شود و آخرین آمار را در هر لحظه به سرورهای مرکزی بفرستد. متأسفانه هزینه این سیستم‌ها بالا و مدیریت شبکه کمی مشکل است، اما در این روش نامزدها می‌توانند در هر لحظه از وضعیت خود اطلاع داشته باشند و هزینه شمارش آرا توسط نیروی انسانی نیز وجود ندارد.

ب) رای‌گیری اینترنتی

این روش یکی از کم‌هزینه‌ترین راه‌های برگزاری انتخابات است. در این روش تمام افراد واجد شرایط در هر مکانی که باشند می‌توانند با مراجعه به سایت‌های اینترنتی که برای این کار تهیه شده، رای خود را اعلام کنند. در حال حاضر شرکت‌های زیادی مشغول تهیه سیستم‌های رای‌گیری اینترنتی می‌باشند. یکی از مهمترین مزایای این سیستم‌ها، نداشتن محدودیت مکانی برای افراد واجد شرایط رای است و آنها از هر کجای جهان می‌توانند رای خود را اعلام کنند و در نتیجه مشارکت ملی در سرنوشت يك کشور بالا می‌رود. آنچه که در این روش بسیار حائز اهمیت است مسأله امنیت، قابل اعتماد بودن و اجرای عدالت در انتخابات است، به این ترتیب که هر شخص فقط یکبار رای دهد، رای هر شخص محفوظ بماند، هویت شخص رای‌دهنده مشخص نشود، و نرم‌افزارهای رای‌گیری قابل اعتماد باشد. هر يك از این مسائل را می‌شود به گونه‌ای حل کرد و اصولاً « در جامعه اطلاعاتی معایب و مشکلات روزبه‌روز اصلاح می‌شود. مثلاً برای افراد شماره ملی وجود دارد و دستگاه‌هایی برای تشخیص هویت افراد با هزینه کم ساخته می‌شود.

ج) رای‌گیری از طریق تلفن‌های همراه

در این روش هر کاربر از طریق سرویس پیام کوتاه تلفن همراه خود و همچنین خط تلفن‌های مجهز به سیستم Touch-Tone و یا تلویزیون‌های دیجیتالی متصل به خط تلفن می‌تواند رای خود را به سرور (Server) رای‌گیری بفرستد. تا هنوز این نوع رای دهی در دنیا به طور رسمی تجربه نشده است.^{[۲۴] xxiv}

مزایا و محاسن سیستم الکترونیکی

این سیستم نیز دارای مزایا و محاسنی است، از جمله مزایایی این سیستم این است:

- ۱ - بالا رفتن میزان مشارکت مردم در انتخابات
- ۲ - صرفه‌جویی در وقت مردم
- ۳ - کاهش هزینه‌های اجرایی
- ۴ - سهل و آسان برگزار شدن انتخابات
- ۵ - به موقع بودن اخذ و شمارش آرا و اعلان نتایج درست در زمان رای‌گیری و بعد از اتمام انتخابات.

ولی این سیستم نیز خالی از معایب نیست از جمله مشکل امنیتی و عدم اعتماد مردم و مسئولین برگزار کننده انتخابات است. که ممکن است این معایب با تولید نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای امن و قابل اعتماد برطرف شود.

و اما وضعیت کشور ما به گونه‌ای است که با سیستم الکترونیکی انتخابات سالها فاصله دارد، و در انتخابات ریاست جمهوری دیدیم که از شیوه بسیار سنتی و قدیمی استفاده شد، و نقش مهم حیوانات نظیر قاطر، اسب و الاغ را هیچ کس نمی‌تواند در آن نادیده بگیرد و یا فراموش کند.

نظام حقوقی انتخابات افغانستان

پس از بحث و بررسی نظام انتخابات این سؤال پیش می‌آید که نظام حقوقی انتخابات در «دولت جمهوری اسلامی افغانستان»، «بر چه شیوه و اساسی استوار است؟ آیا نظام انتخاباتی کشور ما از نوع نظام انتخاباتی اکثریت ساده و یک مرحله‌ای است، یا از نظام اکثریت مطلق و دو مرحله‌ای؟ یا این‌که یک نظام

تلفیقی از برخی از شیوه‌های مزبور است؟ برای دست یافتن به این پاسخ می‌بایست قانون اساسی و قانون انتخابات کشور افغانستان را از نظر بگذرانیم و از لابلای قوانین مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، و قوانین و مقررات مربوط به انتخابات مجالس اعیان و شورای ملی، و شوراهای ولایتی و ولسوالی، و تحلیل و بررسی آن‌ها نوع نظام انتخابات کشور را به دست بیاوریم.

از بررسی و تحلیل قوانین و مقررات مربوط به انتخابات را به دست می‌آید که نظام انتخاباتی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، نظام انتخاباتی مختلطی است که هم از شیوه نظام اکثریت مطلق و دو مرحله پیروی کرده و هم از شیوه نظام اکثریت ساده و یک مرحله، زیرا که در قوانین مربوط به انتخابات روی هر دو شیوه تکیه شده که به توضیح آن می‌پردازیم:

الف) نظام اکثریت مطلق:

قوانین مربوط به انتخابات، در انتخاب ریاست جمهوری و نیز انتخاب بخشی از «شورای ملی»^[۲۰] که به نام «مشرانو جرگه» در قانون ذکر شده از نظام اکثریت مطلق تبعیت نموده است.

ماده ۶۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رای دهندگان از طریق رای‌گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد... هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتوانند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخاب برگزار می‌گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده‌اند، شرکت می‌نمایند. در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می‌شود».^[۲۱]

طبق ماده ۸۳ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «حوزه‌های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می‌گردد» مسائل مربوط به انتخابات، به عهده قانون انتخابات نهاده شده است.

ماده ۱۷ قانون انتخابات در باره انتخاب رئیس جمهور مقرر می‌دارد:

۱- رئیس جمهور طبق احکام مندرج ماده شصت و یکم قانون اساسی و احکام این قانون، با اکثریت آرای تثبیت شده قانونی رای دهندگان، انتخاب می‌گردد.

۲- هرگاه کاندیدان بیشتر از (۵۰) فیصد آرای اجراء شده قانونی را در انتخابات حاصل کرده نتوانند، در مدت دو هفته بعد از اعلام نتایج انتخابات بین دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را کسب

نموده‌اند، بار دوم انتخابات صورت می‌گیرد. کاندیدی که در این دور آرای تثبیت شده قانونی بیشتر را کسب نماید. من حیث شخص انتخاب شده اعلام می‌گردد.

۳- کاندید انتخاب شده با اکثریت آراء طبق حکم ماده یکصد و شصتم قانون اساسی، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات به کار آغاز می‌نماید.»^{[۲۷]xxvii}

همانطور که ذکر شد در قانون انتخابات مصوب ۱۳۸۳، در انتخاب بخشی از «شورای ملی»^{[۲۸]xxviii} موسوم به «مشرانو جرگه» که «مجلس سران و اعیان» می‌باشد، از نظام اکثریت مطلق تبعیت شده است. چنان‌که در فقره ۳ ماده ۲۵ قانون انتخابات در باره انتخاب «مجلس مشران و اعیان» مقرر نموده است: «...۳ - انتخابات میان اعضای موجود شوروی به اساس اکثریت کل آراء صورت می‌گیرد. هر گاه کاندیدی بیش از نصف آراء را بدست آورده نتواند، انتخابات مجدد بین دو کاندیدی صورت می‌گیرد که بیش‌ترین آراء را بدست آورده باشند، در این صورت کاندیدی که اکثریت آراء را بدست آورده انتخاب می‌شود.»^{[۲۹]xxix}

و همچنین فقره ۴ ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «... ۴. انتخابات در بین اعضای حاضر شوروی به اساس اکثریت قاطع آراء صورت می‌گیرد. هرگاه کاندید بالاتر از پنجاه فیصد آراء را بدست آورده نتواند، انتخابات بار دوم بین دو کاندیدی صورت می‌گیرد که بیش‌ترین آراء را بدست آورده باشند، کاندیدی که اکثریت آراء را بدست آورده انتخاب می‌شود.»^{[۳۰]xxx}

بنا بر این بر اساس نصّ موادی مربوط به انتخابات، نظام انتخاباتی کشور، در انتخاب ریاست جمهوری و مجلس مشران و اعیان نظام اکثریت مطلق و دو مرحله در نظر گرفته شده است. قابل ذکر است که انتخاب و انتصاب اعضای مجلس مشران و اعیان «طبق ماده ۲۴ قانون انتخابات به این کیفیت است که يك سوم اعضای این مجلس را شوراهای ولایات کشور و يك سوم آن را شورای ولسوالی‌ها انتخاب خواهند کرد ولي يك سوم باقي مانده آن توسط رئیس جمهور منصوب می‌شوند»^{[۳۱]xxxi} که نصف اعضای انتصابی آن از میان زنان خواهند بود؛ چنان‌که ماده ۸۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شود:

۱ - از جمله اعضای شورای هر ولایت، يك نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار

۲ - از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌ها ی هر ولایت، بکنفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛

۳ - یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی‌ها به تعیین رییس جمهور برای مدت پنج سال. رییس جمهور تعداد فیصد این اشخاص را از بین زنان تعیین می‌نماید....

ب) نظام اکثریت ساده

قانون انتخابات، در انتخاب «مجلس نمایندگان» موسوم به «ولوسی جرگه»، انتخاب اعضای شوراهای ولایتی، و انتخاب اعضای شوراهای ولسوالی‌ها، از نظام اکثریت ساده و یک مرحله تبعیت نموده است.

۱ - انتخاب اعضای مجلس نمایندگان (ولوسی جرگه)

بند ۲ ماده ۲۲ قانون انتخابات در مورد انتخاب اعضای مجلس نمایندگان مقرر می‌دارد: «... ۲ - در هر ولایت کرسی‌ها به کاندیدانی تفویض می‌گردد که بیشترین آراء را به دست آورده‌اند».

و نیز بند ۲ و ۳ از ماده ۲۳ این قانون در باره انتخاب اعضای شورای مزبور مقرر می‌دارد: ۲ - کاندیدان اناث که در هر حوزه انتخاباتی بیشترین آراء را کسب نموده‌اند، حسب فورمول فقره (۱) این ماده برای‌شان کرسی اختصاص داده می‌شود. با تحقق شرایط سهمیه، کرسی‌های باقی مانده مطابق ماده بیست و دوم این قانون اختصاص داده می‌شود.

(۳) در ولایتی که صرف دو کرسی اختصاص یافته یک کرسی برای یک کاندید اناث با بیشترین آرای حاصله تفویض می‌گردد. کرسی باقی‌مانده به کاندید دارای بیشترین آراء صرف نظر از جنسیت، تفویض می‌گردد.

مفاد مواد ماده ۲۲ و ۲۳ قانون انتخابات، به معنای پذیرش نظام اکثریت ساده و نسبی می‌باشد و به دو مرحله نمی‌رسد.

۲ - انتخاب اعضای شوراهای ولایتی

در مورد انتخاب اعضای شوراهای ولایتی، فقره ۲ و ۳ بند ۱ ماده ۳۱ قانون انتخابات و نیز بند ۲ ماده مزبور مقرر می‌دارد: «... ۲ - کاندیدانی که اکثریت آراء را به دست آورده‌اند برای شوراهای ولایتی

انتخاب می‌شوند.

۳ - دو کاندید طبقه اناث در هر شورای ولایتی که اکثریت آراء را به دست آورده اند، انتخاب می‌گردند. کرسی‌های باقیمانده به کاندیدانی که بیش‌ترین آراء را به دست آورده‌اند، صرف نظر از جنس‌شان، تفویض می‌گردد.

(۲) هر گاه کاندیدی نتواند کرسی خود را اشغال نماید و یا به دلایلی کرسی را در دوره شورای ولایتی ترک نماید، کرسی وی برای میعاد باقیمانده به کاندید بعدی دارای بیش‌ترین آراء از عین جنس (ذکور و یا اناث) تعلق می‌گیرد».

مفاد این ماده نیز به مفهوم پذیرش نظام اکثریت ساده می‌باشد که انتخابات به مرحله دوم نمی‌گشود.

۳ - انتخاب اعضای شوراهای ولسوالی‌ها:

همچنین در مورد انتخاب اعضای شوراهای ولسوالی‌ها ماده ۳۱ قانون انتخابات مقرر می‌دارد: «...۲ - در هر ولسوالی دو کاندید اناث که بیش‌ترین آراء را به دست آورده‌اند، انتخاب می‌گردند. کرسی‌های باقیمانده به کاندیدانی که بیش‌ترین آراء را به دست آورده‌اند، صرف نظر از جنس‌شان، تفویض می‌گردد.

۳ - هرگاه کاندیدی نتواند کرسی خود را اشغال نماید و یا به دلایلی کرسی را در دوره شوراهای ولسوالی‌ها ترک نماید کرسی وی برای میعاد باقیمانده به بعدی دارای بیش‌ترین آراء از عین جنس (ذکور و یا اناث) تعلق می‌گیرد. مفاد ماده ۳۱ نیز به معنای قبولی نظام اکثریت ساده می‌باشد که به يك مرحله پایان می‌پذیرد.

محاسن و معایب گزینش نظام تلفیقی

نظام حقوقی انتخاباتی افغانستان چرا به شیوه تلفیقی روی آورده است، شاید علت آن این بوده که از مزایای هر دو روش در جهت حل بحران کشور بهره برد، به این معنا که نظیر برخی از کشورها مثل آلمان ژاپن، ایتالیا، تایوان و غیره برای تأمین عدالت و تحکیم ثبات سیاسی و از بین بردن محرومیت‌های سیاسی و نابرابری اجتماعی، به نظام انتخاباتی تناسبی یا تلفیقی رو آورده‌اند، و اتخاذ چنین روشی را راهکار مناسبی برای از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی، قومی و مذهبی و تأمین عدالت و ثبات سیاسی تلقی نموده است. و به دلیل حساسیت ریاست جمهوری که در رأس اداره کشور قرار دارد، نظام اکثریتی

مطلق را مناسب دیده است تا رییس جمهور با به دست آوردن آرای بیشتر از نصف مورد قبول و پذیرش گروه‌های قومی، مذهبی و دسته‌جات سیاسی قرار بگیرد، و همینطور «مجلس مشران و اعیان» تا شانس تأمین ثبات سیاسی و عدالت اجتماعی، به خطر مواجه نشود. و برای انتخاب «مجلس نمایندگان» و شوراهای ولایتی و ولسوالی نظام اکثریت ساده و یک مرحله‌ای را برگزیده است، زمینه مشارکت در قدرت را در سطح وسیع برای گروه‌ها و اشخاص مستقل به وجود بیاورد و همه را در یک رقابت سالم به سوی ائتلاف‌های سالم و احیانا به سوی نظام دو حزبی سوق بدهد، اشخاص مستقل و احزاب متعدد و پراکنده در قالب دو موضع‌گیری به یکدیگر نزدیک بشود و هرج و مرج گروهی به تدریج از بین برود.

ولی ذکر این نکته لازم است که همان ایرادات و اشکالاتی که هم بر نظام اکثریت ساده و هم بر نظام اکثریت مطلق وارد بود، بر نظام تلفیقی نیز وارد است، و اشکال و ایرادهای نظیر کاهش عدم مقبولیت، کاهش رقابت سیاسی از طریق حذف احزاب و سوق یافتن احزاب و دسته‌جات به سوی خشونت و قانون شکنی همچنان وجود دارد.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، به این جمع بندی می‌رسیم که تئوری دموکراسی و مردمی بودن نظام، مشروعیت خویش را در اراده و آرای مردم جستجو می‌کند، و در این میان برگزاری انتخابات، به عنوان راهکاری برای مشارکت و تبارز اراده مردم طراحی شده است، که به تدریج به مثابه یک ابزار در استخدام رقابت کنندگان عرصه قدرت واقع شده است. و در این فرایند نظام‌های متفاوتی برای چگونگی برگزاری انتخابات و دستیابی به آرای مردم به وجود آمده است با نگاه کلی در این فرایند، سه نوع نظام انتخاباتی مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام با بررسی نظام و سیستم انتخاباتی «دولت جمهوری اسلامی افغانستان» طبق قوانین و مقررات مربوط به انتخابات، به نتیجه رسیدیم که نظام انتخاباتی دولت جمهوری اسلامی افغانستان روش مختلط و تلفیقی از اکثریت مطلق و ساده را اتخاذ کرده است، و روش تلفیقی را به عنوان راه حل معضلات سیاسی و اجتماعی کشور و شیوه مناسب برای مشارکت مردم دانسته است. چنان‌که اتخاذ چنین روشی در برخی از کشورها نظیر آلمان ژاپن، ایتالیا، تایوان و غیره سابقه داشته است و آن‌ها برای زدودن محرومیت‌های سیاسی و نابرابری اجتماعی، به نظام انتخاباتی تناسبی یا تلفیقی رو آورده‌اند، افغانستان نیز اتخاذ چنین روشی را راهکار مناسبی برای حل بحران و تأمین عدالت و ثبات سیاسی تلقی نموده است، قانون‌گذار به دلیل حساسیت ریاست جمهوری که در رأس اداره کشور قرار دارد

و مجلس اعیان که جایگاه ممتازی دارد، نظام اکثریتی مطلق را مناسب دیده است تا رییس جمهور با به دست آوردن آرای بیش‌تر از نصف و همخوانی آن با مجلس اعیان، مورد قبول و پذیرش اکثریت گروه‌های قومی، مذهبی و دسته‌جات سیاسی قرار بگیرد، و همین‌طور «مجلس مشران و اعیان» جایگاه ممتاز خویش را با مقبولیت بیشتر حفظ نماید، تا شانس تأمین ثبات سیاسی و عدالت اجتماعی، به خطر مواجه نشود. و برای انتخاب «مجلس نمایندگان» و شوراهای ولایتی و ولسوالی نظام اکثریت ساده و یک‌مرحله‌ای را برگزیده است، تا زمینه مشارکت همه اقشار و گروه‌ها را به وجود بیاورد و کشور بتواند به سوی ائتلاف‌های سالم و نظام دو حزبی سوق یابد و احزاب متعدد و پراکنده در قالب دو موضع‌گیری به یکدیگر نزدیک بشود و هر ج و مرج گروهی به تدریج از بین برود.

پی نوشت

[۱] i. نگاه کنید به فرهنگ عمید، حسن عمید، ج ۱، ص ۲۸۰، تهران، انتشارات امیرکبیر.

[۲] ii. عبدالحمید، ابوالحمد . مبانی سیاست، ص ۳۴۴، انتشارات طوس، چاپ ششم، ۱۳۷۰.

[۳] iii. قاضی، ابوالفضل بایسته‌های حقوق اساسی، ص ۲۹۱ چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۸۲.

[۴] iv. عبدالرحمان ر. ک : اصطلاحات سیاسی، به کوشش ، ص ۲۰، انتشارات پارسایان، تابستان ۱۳۸۲.

[۵] v. ایوبی حجت الله اکثریت چگونه حکومت می‌کند، ص ۴۸، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۹.

[۶] vi. باقری بارمحمد نظام انتخاباتی و رقابت سیاسی، فصلنامه سراج، شماره ۲۱، ص ۹، تابستان ۱۳۸۳.

. P Dictatorship.vii[v]

viii[a] بایسته‌های حقوق اساسی، ص ۵۴.

ix[۹]. اصطلاحات سیاسی، پیشین، ص ۵۱.

x[۱۰]. همان، ص ۴۸.

xi[۱۱]. ماده سوم قانون اساسی افغانستان مقرر می‌دارد: «در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد».

xii[۱۲] اصطلاحات سیاسی، پیشین، ص ۲۰.

[۱۳] xliii نگاه کنید. به فرهنگ سیاسی، علی آقابخشی با همکاری مینو افشار راد، ص ۱۲۴، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران چاپ دوم، ۱۳۷۵.

[۱۴] xiv هاشمی محمد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج دوم، ص ۱۱۸، چاپ هشتم، بهار ۱۳۸۳، نشر میزان.

[۱۵] xv Sorutin majoritaire a un to

[۱۶] xvi Scrutin majoritaire a deux tours .

[۱۷] xvii حقوق اساسی جمهوری اسلامی، پیشین، ص ۱۱۸، اصطلاحات سیاسی، پیشین، ص ۲۰.

[۱۸] xviii اکثریت چگونه حکومت می‌کند، پیشین، ص ۶۱.

[۱۹] xix حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۲۰.

[۲۰] xx حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۹۴ - ۹۶.

[۲۱] xxi فصلنامه سراج، پیشین، ص ۱۷ .

[۲۲] xxii قاسم زاده، حقوق اساسی، ص ۱۷۹ - ۱۸۰، چاپ ششم، ۱۳۳۵.

[۲۳] xxiii فصلنامه سراج، پیشین، ص ۱۹.

[۲۴] xxiv <http://rasaneh.reporter.ir/> / تاباختنای اهرایش پپ

[۲۵] xxv طبق ماده ۸۲ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه، و مشرانو جرگه می‌باشد.» شورای ملی افغانستان دارای دو بخش است؛ یکی

مجلس سنا (مجلس سران و اعیان، و دیگری مجلس نمایندگان (مجلس مردم).

[۲۶] xxvi قانون اساسی افغانستان، ماده ۶۱، مصوب ۱۳۸۲.

[۲۷] xxvii قانون انتخابات ماده ۸۳، مصوب ۱۳۸۳.

[۲۸]xxviii طبق ماده ۸۲ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: « شورای ملی مشتمل از دو مجلس: ولسی جرگه، و مشرانو جرگه می‌باشد.» شورای ملی افغانستان دارای دو بخش است؛ یکی

مجلس سنا (مجلس سران و اعیان)، و دیگری مجلس نمایندگان (مجلس مردم).

[۲۹]xxix ماده ۲۵ قانون انتخابات.

[۳۰]xxx قانون انتخابات، ماده ۲۶.

[۳۱]xxxi رجوع کنید به ماده ۲۴ قانون انتخابات.